

# تاملی بر گزاره‌های شعر امروز

محمود معتقدی

{شعر} همان نغمه‌یی {است} که روح را بر آن می‌دارد که به خویشتن در شود.  
(دائنه)

دنیای شعر به روایتی همانا برپایی «اضطراب جان» و راهی برای رسیدن به معصومیتی تام و تمام در حوزه‌ی «زبان دیگر» و آوازه‌های روشن خیال در بستر حادثه‌هایی پر از رنگ و پر از رویاهای خاموشی و سرشار از سکوت آدمی‌ست!

در این چشم‌انداز، شاعران به درون متنی پا می‌گذارند، که دستمایه‌ی اولیه‌ی آن را واژه‌هایی از جنس «زیستن» و شکلی از بیداری «شیا» در برگرفته‌اند. لذا شاعر امروز در برابر واقعیت‌های عریانی به پا ایستاده است، که در آن نبض «بیداری» و «بیداد» در تقابل هم می‌زنند و حضور مستمر کلمات بر این عرصه، کنش‌ها و واکنش‌های آدمی را به تصویر می‌کشند. گفتنی است که «تفرد» و خود بودن، آهنگ و حرکت واژه‌ها را به سمت شاعر جهت می‌بخشند و موقعیت‌های تازه‌یی را بر محور «شکل عاطفه‌ها» شکل می‌دهند. در نتیجه، کلمات برای واگویی خود به گستره‌ی زبان راه پیدا می‌کنند.

شکی نیست که شاعران امروز سعی دارند به ظرفیت‌ها و سرچشمه‌های «دلالت‌های زبانی» نزدیک و نزدیک‌تر شوند، تا از این رهگذر، مکاشفه‌ی تازه‌یی در جهان کلمات صورت پذیرد. بنابراین در واپسین نگاه، این شاعر است که به هزار انگیزه‌ی متفاوت، نقاب از چهره‌ی واژه‌ها برمی‌دارد و برای برجسته سازی کلمات معطل، بر طبل زبان می‌کوبد. در این میان شعله‌های شعر به کمک نظمی درونی، همه‌ی باورهای به جا مانده را به آتش می‌کشد. این یعنی آن «اتفاق» جاری و دائمی که در ذهن و زبان شاعر به بار می‌نشیند و صورت‌بندی آهنگ «کلمات» از دایره‌ی فضای روزمرگی خارج می‌شود.

به عبارت دیگر زبان شعر، با مختصات دیگری وارد عرصه‌ی ادبیات می‌گردد. بنابراین، دنیای شعر در پی رهاسازی کلمات از زندگی همیشگی به سرشت و سرنوشت تخیلات و احساسات پنهان آدمی، نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود و در نهایت میان بودن و نبودن، به خلاقیتی شگفت منتهی می‌گردد و ساده‌تر این‌که شاعر همان صیاد لحظه‌های ترد و شکننده‌یی‌ست که در فرصت‌های «کمیاب»، به شکار واژه‌های سرکش می‌پردازد و هر آنچه که می‌گوید و می‌نویسد، حس می‌کند و بر آنچه که حس نکند به موقعیت زبانی خیال‌انگیز می‌سپارد.



«متاسفم! / آن قدر دوست دارم / که گاه می‌خواهم / تنها درون یک  
قاب عکس / با تو زندگی کنم.»

(از شعر «عکس» شمس پورمحمدی)

و اما سرنوشت شعری که سه دهه از زادروز آن می‌گذرد...

گفتنی است که در این سال‌ها جریان شعر، همپای جریان‌های آزادی  
و باورمندی‌های تازه‌ی انسان معاصر خود محور ذهن و زبان بسیاری  
از شاعران این زمانه بوده و هست. در این‌جا و اکنون شعر امروز با  
قابلیت‌ها و مکث‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. چرا که دغدغه‌ها  
و ظرفیت‌های فردی شاعر در برخورد با پدیده‌های پیرامونی، هر  
بار با شیوه‌های بیانی خاصی درگیر می‌شود و در نهایت «حرکت»

و تجربه‌های متفاوت زبانی و هم‌چنین دور شدن از قالب‌های آشنا و هنجارهای زبانی  
دست‌آموز و تکراری، به ایجاد فضاهای تازه و سیال و با زیبایی‌شناسی تازه‌تری در زمینه‌ی  
آفرینش‌های شاعرانه منتج گردید.

لذا آن‌چه که «نیما» و دیگر آموزگاران شعر امروز به ما می‌آموزند، به شاعر در موقعیت  
این روزگار فرصت می‌دهد تا از انگاره‌های «کهن» عبور کند و در قلمرو زبان به  
کشف ظرفیت‌های تازه‌تری از پیکربندی و ترکیبات استعارای واژه‌ها دست یابند. در این  
سال‌ها علیرغم کج‌اندیشی و بدسلیقگی بسیاری از شاعران، به خصوص در میان جوانان به  
گمان من اتفاق تازه‌یی چه در شکل‌بندی و چه در لایه‌بندی معنایی به وقوع پیوسته که  
بسیاری‌شان محل تامل و تاویل و داوری هست و خواهند بود.

در این‌جا بد نیست با توجه به یافته‌های یاد شده، به دسته‌بندی چند ویژگی مهم شعر امروز  
در دهه‌های اخیر پردازیم:

۱. نزدیک شدن لحن و بیان شعر به زبان گفتار و توجه به هم‌نشینی کلمات در این شیوه  
به جنبه‌های موسیقایی شعر، ضرب و یکنواختی واژه‌ها، بیشتر از گذشته‌ها بها داده می‌شود.  
به عبارت دیگر در این ساخت بیرونی بار واژه‌ها و تاثیرآوایی آن‌ها بر یک‌دیگر به  
موسیقی جانی کلمات و ترکیبات‌شان، توجه عمیق‌تری شده است. چرا که همین کلمات  
به معناهای نزدیک نظر دارند.

۲. رعایت ایجاز و کوتاه‌نویسی عبارت‌های شعری، از جنبه‌های چشم‌گیر و شفاف شعر  
دهه‌های اخیر است، در این فضاها اغلب شاعران میان‌سال و جوان در کنار هم به تجربه‌های  
زبانی دست می‌یازند که در کوتاه‌نویسی و اجرای عبارت‌های مستقیم شاعر با مخاطب به  
ارتباطی درونی‌تر و بی‌واسطه‌تری می‌رسد.

۳. رمزگشایی و ایجاد موقعیت‌های شفاف شعری اغلب برگرفته از چشم‌انداز فضاهای

- تاریخی و استوره‌یی و اجتماعی است، این نوع نگرش و اشاره‌های زبانی گاه مخاطب را به چالش فرامتنی و بینامتنی هم فرامی‌خواند، که البته گاه با پیچیدگی‌هایی هم همراه است.
۴. دور شدن از صنعت مالوف و به کارگیری کمتر ترکیبات نالازم و اضافی، و فاصله گرفتن از تصویرها و تخیلات پیچیده و دور از ابهام. در این چشم‌انداز شاعر ضمن رویکرد به نوعی واقع‌گرایی، بیشتر به ساخت‌های آوایی و برجسته‌سازی نحوی زبان توجه نشان می‌دهد و به عبارت دیگر صورت‌بندی اجرایی کلمات در مرکز توجه شاعر قرار دارد.
۵. بهره‌گیری از بسیاری عناصر هنری و ادبی، هم‌چون فضاهای موسیقایی، سینمایی، و دستمایه‌های تجسمی که در ایجاد معماری کلمات و اجرای شعرهای چند صدایی، در شعر امروز کانون نگاه بسیاری از شاعران جوان و مدرن و پساندرن است.
۶. روبه‌رو شدن بی‌واسطه‌ی شاعر و مخاطب در فضاهای فرهنگی و ادبی و چالش و چانه‌زدن نسبت به فضاها و سطرهای سفید از سوی مخاطبان.
۷. تأثیرپذیری بسیاری از شاعران جوان از فضاهای ترجمه، به خصوص از ساختار ترجمه‌یی واژه‌ها و نزدیک شدن شاعر به فضای ترانه‌ها و ترجمه‌ی آن‌ها در ادبیات امروز.
۸. روی‌آوری و تأثیرپذیری بسیاری از شاعران نسل پیشین به سازوکارهای زبان شاعرانه‌ی شاعران میان‌سال و جوان به ویژه در بهره‌گیری از هم‌نشینی و نحو واژه‌ها و به خدمت گرفتن ترکیبات و تصویرهای تازه‌یی از روابط کلمات.
۹. گرایش به نوعی ساختارشکنی و حرکت‌های پست‌مدرنیستی در بخشی از شعرهای نیمایی، که این شیوه در نزد شاعران جوان همراه با حذف‌ها و ناگفته‌هایی همراه است. در این چشم‌انداز فرم‌های زبانی، در خدمت رفتارهای غیرمتعارف و نوعی معناستیزی و متفاوت‌نویسی قرار دارد.
۱۰. دور شدن شاعر از باورها و فضاهای سیاسی و شعارزدگی که در روزگاری وجه غالب بوده است. در این فضا شاعر با توجه به دستمایه‌های فردی در نشان دادن فراز و فرودهای اجتماعی همراه با زبانی عاطفی و حتا آرمان‌گرانه به طرح باورهای انسان معاصر نسبت به مطالعات فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد. بازتاب مسائلی چون حقوق انسانی، جنگ و صلح و دادخواهی‌های فمینیستی از جمله فضاهای شاعرانه این روزگار به حساب می‌آید.
- در چنین چشم‌اندازی می‌توان به سه طیف شاخص در عرصه‌ی شعر امروز اشاره کرد. نخست؛ حضور شاعران پیشکسوت که گروهی از اینان در حوزه‌ی زبان دست به تجربه‌هایی هم زده‌اند که بسیاری به فضاهای افراط و معناستیزی فرو غلتیده‌اند و بسیاری هم به «متفاوت‌نویسی» روی آورده‌اند که در نهایت این گونه برخورد با زبان و فاصله گرفتن از «معنا»، آسیب‌پذیری‌هایی را هم در پی داشت و دارد. چرا که حرکت در شعر و توجه به آرایش کلمات و شکل‌بندی موسیقایی آن نمی‌تواند به سمت تهی شدن و بی‌معنایی برود. زیرا جوهر و گوهره‌ی شعر در هم‌خوانی شکل و معنا، است.
- دوم؛ حضور شاعران نو‌قدمایی که اغلب به همان ساختار کلاسیک عروض و قافیه، چه در

فضاهای کهن و چه در فضاهای شعر نیمایی، دغدغه‌های شاعرانه خود را به قلمرو زبان تالیف می‌کشانند، و کمتر به میل نوآوری و حرکت‌های تازه داشته و دارند. البته این گروه شاعران که بخشی از آنان به مخاطبان سنتی خود وفادارند و بخشی هم به فضاهای میانه تعلق دارند، در چهارچوب مضمون‌پردازی در حوزه‌های حماسه، آیین‌های مذهبی و ملی به طرح باورهای خود می‌پردازند و نگاه‌شان به وجه کلاسیک شعر و تغزل‌های عاشقانه اجتماعی در هم آمیخته شده است.

سوم؛ طیف وسیعی از شاعران میانسال و جوان که در قالب شعر غیرنیمایی در دهه‌های اخیر در صحنه‌ی ادبیات امروز فعال بوده و هستند، که از آن میان گروه‌های میان‌سال بیش از همه در حوزه‌ی «شعر گفتار» در این جا و آن‌جا حضور چشم‌گیری داشته و دارند که دور شدن از تصویرگرایی و تأثیرپذیری از وقایع روز و دور ماندن از ابهام و جمله‌ویژگی‌های این نخله به حساب می‌آید.

اما در این طیف شاعران جوان‌تری هم وجود دارند که به شاعران نسل سوم نزدیک‌اند و به شاعران پسا مدرن معروف‌اند.

حرکت در زبان و شورش‌گری در شعر و بیش از همه معناگریزی در قالب‌های متفاوت از رویکردهای این چشم‌انداز است که گاه با برخوردهای مکانیکی و ایجاد حجم‌های غیرمتعارف همراه است. این گروه در دهه‌ی هفتاد با صداهای گوناگونی به صحنه آمدند. اما به تدریج بسیاری‌شان از صحنه بیرون رفتند و گروهی از آنان هم به فضای شاعرانه‌تری در قلمرو به کارگیری زبان شاعرانه بازگشتند.

ماحصل این که شعر امروز نزدیک به سه دهه اوج و حضیض‌هایی داشته و دارد امروزه به نوعی تفکر و کاراندیشی تازه‌تری رسیده است و با فرو شدن غبار تاریخ شاعر و مخاطب از پی هم به باورهای تازه‌تری رسیده‌اند.

امروزه شفافیت و بهره‌گیری از برجستگی‌های آوایی و معنایی، از ویژگی‌های مهم شعر به حساب می‌آید. مضافاً بر این که تأثیر زبان گفتار و اصل غافلگیری و نوعی آشنایی‌زادی، این عرصه را به چالش‌های تازه‌تری فراخوانده است. بنابراین گزاره‌های شعر امروز پیوسته در حال شدن و چشم‌انداز دیگری است و شاعران امروز چه در حوزه‌ی غزل و چه در قلمرو شعر پسانیمایی ناگزیر از پذیرفتن نوعی باور داشتن از تلفیق دست‌آوردهای سنت و نوآوری در کنار هم‌اند.

با این همه، شعر امروز هم چنان زنده و پویا روزگار خود را سر می‌کند با همه‌ی دشواری‌ها و بحران‌هایی که در حوزه‌ی فرهنگ و ادب جاری‌ست.